۱۳۶	هُوَ ۱۲۱ گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)
سلسله درسهای عرفانی	

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

اخیراً چند نامه از شهرستان‌ها به من رسیده که گفته‌اند در شهرستان‌ها و حتّی در تهران وقتی که یک مسأله‌ای می‌خواهد حل بشود یا صحبت بشود، عقاید مختلف گفته می‌شود و گاهی این عقاید اینقدر به عقیده‌ی خودشان پای‌بندند که به اختلاف طبقه، دسته‌بندی، تبدیل می‌شود.

البتّه گو اینکه همه‌ی این اختلافات، همه‌ی این تشکیلات در ذیل مکتب اسلام است، در ذیل مکتب فقر و درویشی است ولی معذلک خودش یک دسته‌بندی و فرقه‌بندی می‌شود.

من از همان اوّل بارها و بلکه همیشه در خدمت فقرا، اخوان، خانم‌ها و آقایان عرض کردم که مهمترین چیزی که ما باید داشته باشیم همین اتّحاد و اتّفاقی است که بین خودمان هست. این همبستگی باید چنان باشد که اصلاً به اصطلاحِ مشهور مو لای درزش نرود.

تعریفی که قرآن از چنین انس و محبّتی کرده است، می‌گوید که بُنْیانٌ مَرْصُوصٌ (سوره صف، آیه ۴). مثل بنیان و پایه‌ی فلزی است که مو لای درزش نمی‌رود. البتّه ظهور اسلام امر خدایی بود ولی ظواهرش این است که قدرت و تفوّقی که اسلام بر همه پیدا کرد، به‌واسطه‌ی این همبستگی بود که مسلمین صدر اسلام در خدمت پیغمبر، به هم دلبستگی داشتند.

ما می‌گوییم یعنی جامعه‌شناسان و همچنین زیست‌شناسان می‌گویند که انسان، بشر، زندگی فردی ندارد، زندگی اجتماعی دارد و با این زندگی اجتماعی نشان می‌دهد که یک نحوه مدنی‌الطبع است یعنی بشر بدون وحدت، بدون تشکیل جامعه زندگی نکرده. به یاد ندارد و نمی‌تواند زندگی کند چون بشر هم یکی از حیوانات است یعنی علومی که خداوند به این انسان داده است، می‌گوید که در رأس تکاملِ حیوانات است، از همه‌ی حیوانات دیگر کامل‌تر است. در رأسِ فعلی است. با این وجود که این کمال را دارد، چه بسیار جوامع بشری که از بین رفتند. جوامعی از تمدّن‌های قدیم، از بین رفتند و حال آنکه مثلاً زنبور عسل، از اوّل خلقتی که ما به یاد داریم، این زنبور عسل بوده است. هنوز هم هست و آنچه ظواهر نشان می‌دهد، اراده‌ی خداوند بر این است که باز هم باشد، ادامه دارد چون این زنبور اوّلاً همه‌شان یکنواختند یعنی هیچکدام خودش را بر دیگری برتری نمی‌دهد، وظیفه‌ی هرکدام هم مشخص است و به وظیفه‌ی خودشان رفتار می‌کنند. زنبوری که دربان است، همیشه دم در می‌ایستد. اگر جانش را هم به هدر بدهد باز هم وظیفه‌ی خودش را انجام می‌دهد. آن زنبوری که مأمور جمع‌آوری عسل است، آن زنبور هم همیشه مشغول کار است که آن موادی که قرار است ذخیره

بشود، جمع‌آوری کند. هیچکدام هم به دیگری نه جسارت می‌کنند، نه دیگری به آنها تحقیر می‌کند، همه‌شان یکنواختند و این جهت هست که ظاهراً موجب شده که نسل زنبورعسل از اوّل خلقت بشر که بوده تا حالا هم هست و خواهد بود. همچنین وظیفه‌ی هرکدام هم به همان نحوی که روز اوّل گذاشته شده، حالا هم هست. هیچ زنبورعسلی آنوقتی که جانش در خطر است، کنار نمی‌کشد که دیگری به جای او کشته بشود بلکه وظیفه‌ی خودش را انجام می‌دهد ولو کشته بشود یعنی همه دیگری را بر خودشان ترجیح می‌دهند و هرگز نمی‌خواهند کار خودشان را به گردن دیگری بیندازند و یک وحدتی بین این زنبورها هست که آن وحدت باید در بین مسلمین هم باشد.

این وحدت بین مسلمین اوّلیه، مسلمین صدر اسلام هم بود و به همین دلیل پیروز شدند. داستان آن ایثارگران، ایثاری که یکی از مسلمین در جنگ بدر کرد بعد از خاتمه‌ی جنگ که عدّه‌ای شهید افتاده بودند، آب آوردند که آب بخورند. گفت که خیلی متشکّر ولی آن بالادستِ من (که اصلاً او را نمی‌شناخت) او از من تشنه‌تر است، واجب‌تر است، برو به او بده. پیش او رفت، او باز سوّمی را ارجاع کرد. پیش سوّمی رفت، آن سوّمی مرده بود. برگشت به دوّمی آب برساند، دید دوّمی هم مرده. برگشت به اوّلی آب برساند، او هم مرده بود یعنی همه را بر خودش ترجیح داد.

اگر زنبوری خطا می‌کرد و تصادفاً بر یک مرداری یا جنس بدبویی می‌نشست، دربان دم در به او اجازه نمی‌داد. بین دربان و آن مأمور ذخیره هیچ فرقی نمی‌کند. همه‌شان در کار خودشان، در فهم خودشان قدرت داشتند.

بدانید! مادامی که سستی بخرج ندهید با هم همنواخت، یکنواخت باشید، خداوند نه تنها این یکنواختی را اهمّیت می‌دهد بلکه اضافه بر اهمّیتی که به این امر می‌دهد، پیروزی را هم به دنبالش می‌آورد. می‌فرماید: وَ لاٰتَهِنُوا وَ لاٰتَحْزَنُوا وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (سوره آل‌عمران، آیه ۱۳۹) اگر راست بگویید یعنی مسلمان واقعی باشید، پستی نکنید، سستی نکنید برای اینکه شما مسلّماً برتر و بالاتر از دیگران هستید. این وعده‌ای است که خداوند داده است. ما با این وعده باید دل خوش داشته باشیم و به‌هیچ‌وجه نگذاریم شکافی در بین ما باشد. حتّی دشمنان ما می‌خواهند که بین ما شکاف باشد و حتّی بعضی برادران نادانِ ما هم با آنها همکاری می‌کنند. اینها را شما گوش ندهید، همیشه وحدت خودتان را حفظ کنید و به همان موقعیتی که مقرّر شده‌اید، باشید. مجاز نماز و اخذ وجوهات، مشایخ و اینها، به وظایف خودشان در همان حد رفتار کنند.

دراین‌صورت وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ که خدا فرمود، مشمول شماست یعنی همیشه بالاتر خواهید بود. ان‌شاءالله خداوند توفیق بدهد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح جمعه، تاریخ ۱۳۹۴/۵/۲۳، جلسه برادران ایمانی)

*****

در مورد اجازه‌ی نماز که به بعضی داده می‌شود (الان در جلسه آقایان بحث کردیم)، حکمتش را گفتم. در همان حدِّ اجازه است یعنی فقط برای نماز خواندن شما می‌توانید پشت سر آنها نماز بخوانید، بدون اینکه خطر معنوی به شما یا به ایشان برسد، همین! البتّه غیر از این اگر فرض کنید یکی از کسانی که مثلاً پیشرفته است، در فقر تجربیاتی، سوابقی دارد این شخص نه از لحاظ آن اجازه‌ی نماز، همانطوری که قبل از آن اجازه‌ی نماز شما ممکن بود یک بحثی، یک صحبتی، یک سؤالی از او بکنید راجع به درویشی، به اندازه‌ای که می‌تواند، می‌گوید. خیلی بحث نه! مثلاً می‌پرسید نماز را بهتر است جماعت بخوانیم یا فُرادیٰ در منزل؟ به شما توضیح می‌دهد که نماز اینطور است ولی اضافه بر آن نمی‌تواند یعنی اجازه‌ی نماز، به او اجازه نمی‌دهد که در امور اجتماعی فقرا دخالت کند یا دستور فقری بدهد یا شما از او مشورت کنید و بعد به‌اصطلاح یقیناً باید مشورتش را انجام بدهید، نه! فقط در این درجه است. اگر بیشتر از این بشود همانطوری که ممکن است، بیشتر از این یکی از آقایان اجازه بخواهند، موجب ناراحتی و فسادِ داخلی او هم می‌شود. این یک سؤالی بود البتّه بارها گفته شده است.

امّا مسأله‌ی مهمی که ما داریم همین مسأله‌ی مُعَوِّذَتَیْن است یعنی دو تا قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (سوره فلق، آیه ۱) و قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (سوره ناس، آیه ۱) هر چیزی را به هر نحوی و از هر دریچه‌ای که به خدا پناه ببرید، خدا نگه‌تان می‌دارد. مثل یک ساختمانی که فرض کنید چندین در دارد. طبقه‌ی زیرینش یک در دارد، آن طبقه‌ی بالایی یک در. از هر در وارد بشوید داخل ساختمان هستید. حالا چه بگویید: أَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ، شیطانی که مراقب شماست دَم این ساختمان ایستاده است، شما می‌روید داخل. هر نحوه أَعُوذ بگویید، أَعُوذ یعنی «پناه می‌برم»، پناه ببرید به خداوند، خدا پناهتان می‌دهد منتها به شرط اینکه واقعاً پناه ببرید به خداوند یعنی واقعاً از خداوند بخواهید که خدایا! الان که من در این وضعیت هستم، من را نگهدار، من نمی‌توانم. این معنی أَعُوذ است أَعُوذُ بِاللهِ. جهتش هم که این دو تا قُلْ أَعُوذ بیشتر رواج دارد این است که پیغمبر کسالت پیدا کردند، بعد خلاصه خداوند به ایشان دستور داد که چه بکن، چه بکن، بعد این دو قُلْ أَعُوذ را بخوان، فوت کن به طرفش، چشمش کور می‌شود. این قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ آن آخر وَمِنْ شَرِّ حاسِدٍ إِذا حَسَدَ (سوره فلق، آیه ۵). آخر پیغمبر که در نظر آنها یک شخص خیلی معمولی بود، البتّه حتّی همان ابوسفیان قوم‌وخویش او بود. اینها همه، یک دوستیِ دوری داشتند ولی مع‌ذلک قبل از بعثت به پیغمبر اعتنا نمی‌کردند، پیغمبر هم به آنها اعتنا نمی‌کرد یعنی پیغمبر از اوّلِ زندگی جز خداوند را نمی‌شناخت، ما که معتقد به عصمت پیغمبر هستیم یعنی از اوّل بچّگی پیغمبر

معصوم بوده است. بعد یک‌مرتبه می‌بینند این پیغمبر یک قدرتی، یک شخصیتی پیدا کرده که در دنیا بی‌نظیر است. دشمنان پیغمبر حسادتشان می‌شود و برای این حسادت قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ در آنجا اشاره می‌کند. این اشاره است در واقع که اینها بیخود حسادت می‌کنند. حسادت می‌کنند خودشان جوش می‌آورند، نه!

وَمِنْ شَرِّ حاسِدٍ إِذا حَسَدَ، اگر حسودی بخواهد حسادت کند، حتّی ممکن است خودش را از بین ببرد ولی حسادتش اثر کند. بعد از اینها که دستور می‌دهد در آن سوره‌ی بعدی قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ، آنوقت می‌گوید حالا خودت از شرّ حسود راحت شدی ولی باز هم باید مراقب باشی، از آن وسوسه‌هایی که در دلت پیدا می‌شود. ببینید! وقتی به پیغمبر یک چنین دستوری می‌دهند، به طریق اولیٰ برای ما هم مؤثّر است یعنی ما فکر کنیم، بخواهیم جدا کنیم، بگوییم چطور به خدا پناه ببریم؟ از کدام در وارد شویم؟ باز هم همین‌ها ملاکِ عمل است. حالا یک وقتی بطور مفصّل همانطوری که راجع به قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ گفتم، برای قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ هم بحث خواهم کرد که بدانید چه می‌گوییم؟ وقتی این آیه را می‌خوانیم بدانیم که منظور چیست؟ ان‌شاءالله. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۵/۳۱، جلسه خواهران ایمانی)

*****

در خارج، در غالب کشورها مجالس فقری هست. هر کسی هم که می‌رود به خارج، آدرس مجالس را بگیرید در همانجا شرکت کنید. در مجالس اگر با حال خلوص شرکت کنید، مثل اینکه در مجلس تهران هستید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی، صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۴/۵/۲۴، جلسه خواهران ایمانی)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: *جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجّاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها)* منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت **WWW.JOZVEH121.COM** اقدام فرمایید.